



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(مسئله ۲۱) : من عليه الكفارة إذا لو يؤدّها حتى مضت عليه سنين لم تتكرر . کسی که كفاره ای به گردنش ثابت است اگر چند سال بگذرد و آن را بجا نیاورد آن كفاره مکرر نمی شود زیرا دلیلی بر تکرر كفاره در فرض مذکور نداریم و اگر شك هم بکنیم اصل براءة جاری می شود بنابراین مسئله بسیار روشن است و نیاز به توضیح ندارد فقط باید عرض کنیم که صاحب عروة در عبارتشان به جای کلمه سنين باید از کلمه سنون به عنوان فاعل مضت استفاده می کردند .

(مسئله ۲۲) : الظاهر أنّ وجوب الكفارة موسّع فلا تجب المبادرة إليها نعم لا يجوز التأخير إلى حدّ التهاون . ما چند نوع واجب داریم ؛ اول واجب فوری می باشد مثل صلوة آیات و زلزله و وجوب حج ، دوم واجب موقت (معین) می باشد مثل صلوات خمسه یومیه و سوم واجب موسّع می باشد یعنی وقتی برایش معین نشده است که كفاره صوم از همین نوع است یعنی شرعاً وقتی برای آن معین نشده است منتهی نباید به قدری به تأخیر بیندازد که تهاون و سهلنگاری صدق کند زیرا هرچند که وقتی برای انجام كفاره معین نشده ولی ادله انصراف دارند لذا نباید به قدری به تأخیر بیندازد که تهاون و سهلنگاری صدق کند و معلوم است که روایات ما را از سهل انگاری و تهاون درباره واجبات برحذر می دارند بنابراین لايجوز التأخير إلى حدّ التهاون . (اشکال و پاسخ استاد) : توبه واجب فوری می باشد ولی ما دلیلی نداریم که انجام كفاره مثل توبه واجب فوری باشد و نحن أبناء الدليل .

(مسئله ۲۳) : إذا أفطر الصائم بعد المغرب على حرام من زنا أو شرب الخمر أو نحو ذلك لم يبطل صومه و إن كان في أثناء النهار قاصداً لذلك . اگر صائم بعد از مغرب روزه اش را با حرام مثل زنا و شرب خمر و نحو ذلك افطار کند در این صورت لم يبطل صومه زیرا روزه عبارت است از امساک از طلوع فجر تا مغرب که در فرض مذکور این امساک با تمام شرایط محقق شده است لذا روزه اش باطل نیست (ولی مرتکب حرام شده است) و إن كان في أثناء النهار قاصداً لذلك چونکه قصد حرام در روز موجب بطلان صوم می شود نه در شب و بعد از اتمام وقت روز .

(مسئله ۲۴) : مصرف كفارة الإطعام الفقراء إمّا بإشباعهم و إمّا بالتسليم إليهم كلّ واحد مدّاً و الأحوط مدّان من حنطة أو شعير أو أرز أو خبز أو نحو ذلك و لا يكفي في الكفارة واحدة إشباع شخص واحد مرتين أو أزيد أو إعطاؤه مدّين أو أزيد بل لابدّ من ستين نفساً نعم إذا كان للفقير عيال متعدّدون و لو كانوا أطفالاً صغاراً يجوز إعطاؤه بعدد الجميع لكلّ واحد مدّاً . مورد مصرف كفاره ، إطعام فقراء می باشد یا با دعوت و سیر کردن آنها و یا با تسلیم کردن كفاره به آنها و به هر نفری باید یک مدّ طعام بدهد (مدّ تقریباً ده سیر است یعنی ۱/۴ از سه کیلو) و الأحوط مدّان (احتیاط مستحبی) و طعام هم باید از مواد غذایی مثل گندم و جو و برنج و نان و نحو ذلك باشد ، البته یختلف الطعام باختلاف المناطق و الأزمان ولی در هر صورت باید اطعام صدق کند . صاحب عروة در ادامه مسئله می فرمایند که تعداد در اطعام فقراء موضوعیت دارد لذا نمی تواند به یک نفر دو مد طعام و یا بیشتر از آن بدهد و همچنین نمی تواند دو كفاره را به یک نفر بدهد بلکه باید شصت نفر از فقراء را إطعام کند البته اگر فقیری صاحب عیالات متعدد باشد و لو كانوا أطفالاً صغاراً می تواند به تعداد جميع افراد خانواده اش به او طعام بدهد .

خوب اصل مطلب به عرضتار رسید حالا می رویم سراغ روایاتی که مربوط به بحث ما می باشند که تعدادی از آنها در باب ۸ از ابواب مایمسک عنہ الصائم ذکر شده اند من جمله خبر ۱۰ و ۱۲ از همین باب ۸ که خبر ۱۰ این است : « محمد بن الحسن باسناده عن سعد بن أبي جعفر — یعنی احمد بن محمد — عن الحسين بن سعيد عن فضالة بن ايوب عن أبان بن عثمان عن عبدالرحمن بن أبي عبدالله عن أبي عبدالله (ع) قال : سأته عن رجل أفطر يوماً من شهر رمضان متعدداً ؟ قال : عليه خمسة عشر صاعاً ، لكلّ مسكين مدّاً بمدّ النبي (ص) أفضل . » . روایت سنداً صحیح می باشد و شاهد ما جمله (لكلّ مسكين مدّاً بمدّ النبي (ص) أفضل) می باشد . (اشکال و پاسخ استاد) : مسكين با فقير فرق دارد چرا که مسكين أشدّ حالاً و فقير است ولی سؤال نمی کند یعنی به خاطر شخصیت و آبرویی که دارد سؤال نمی کند اما فقير کسی است که فقر خوش را ظاهر می کند علیّیّ حال هر دوی آنها مخارج سال خودشان را نمی توانند تأمین کنند و اما روایات ما عام هستند یعنی فقير شامل مسكين نیز می شود و مسكين نیز شامل فقير هم می شود .

خبر بعدی خبر ۱۲ از همین باب ۸ می باشد ، خبر این است : « و باسناده عن محمد بن علي بن محبوب عن محمد بن الحسين عن عثمان ابن عيسى عن سماعة قال : سأته عن رجل لرق بأهله فأنزّل ؟ قال :

المقتول ، فالكفارة عليه فيما بينه وبين ربّه لازمة . . . خبر سنداً صحیح می باشد و دلالت بر مدّ دارد . . . خبر ۱ از باب ۱۳ از ابواب الكفارات نیز بر مدّ دلالت دارد ، خبر این است : « محمد بن يعقوب عن أبي علي الأشعري عن محمد بن عبد الجبار و عن محمد بن اسماعيل عن الفضل بن شاذان - جميعاً - عن صفوان عن ابن مسكان عن الحلبي عن بي عبدالله (ع) في كفارة اليمين يطعم عشرة مساكين ، لكل مسكين مدّ من حنطة أو مدّ من دقيق و حفنة ، أو كسوتهم لكل إنسان ثوبان ، أو عتق رقبة ، و هو في ذلك بالخيار ، أي ذلك شاء صنع ، فإن لم يقدر على واحدة من الثلاث ، فالصيام عليه ثلاثة أيام » . . . در باب ۱۴ از ابواب الكفارات ص ۵۶۵ از جلد ۱۵ وسائل ۲۰ جلدی نیز اخباری وجود دارند که دلالت بر مدّ دارند .

خوب چند مطلب در کلام صاحب عروة وجود دارد ؛ اول اینکه ایشان فرموده اند : « و لا يكفي في الكفارة واحدة إشباع شخص واحد مرتين أو أزيد أو إعطاؤه مدّين أو أزيد بل لابدّ من ستين نفساً نعم إذا كان للفقير عيال متعدّدون و لو كانوا أطفالاً صغاراً يجوز إعطاؤه بعدد الجميع لكل واحد مدّاً » و يدل عليه صحیه ابن عمار که خبر ۲ از باب ۱۶ از ابواب الكفارات می باشد ، خبر این است : « و باسناده عن الحسين بن سعيد ، عن صفوان بن يحيى عن إسحاق بن عمار قال : سألت أبا ابراهيم (ع) عن إطعام عشرة مساكين ، و إطعام ستين مسكيناً ، أيجع ذلك لإنسان واحد يعطاه ؟ قال : لا ولكن يعطى إنساناً كما قال الله تعالى ، قلت فيعطيه الرجل قرابته إن كانوا محتاجين ؟ قال : نعم » . . . خبر سنداً صحیح است و أبا ابراهيم به حضرت موسى بن جعفر (ع) اطلاق می شود و هماغونه می بینید این خبر بر مطلب اولی که عرض کردیم دلالت دارد . . .

و الحمد لله رب العالمين أولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

عليه إطعام ستين مسكيناً مدّ لكل مسكين . . . خبر به خاطر وجود عثمان بن عيسى که فطحی المذهب است موثقه می باشد و شاهد ما در این روایت نیز جمله (مدّ لكل مسكين) می باشد .

خوب و اما درباره صاع روایات زیادی داریم که در بعضی از آنها درباره کسی که عمدتاً روزه اش را افطار کند گفته شده ؛ عشرون صاعاً و در بعضی دیگر گفته شده ؛ خمسة عشر صاعاً ، مثلاً در همین باب ۸ از ابواب مايمسك عنه الصائم در اخبار ۲ و ۴ و ۶ و ۷ و ۸ گفته شده ؛ عشرون صاعاً که ما خبر ۲ از این باب ۸ را به عنوان نمونه می خوانیم ، خبر این است : « وعن علي بن ابراهيم ، عن أبيه ، و عن محمد بن اسماعيل ، عن الفضل بن شاذان جميعاً عن ابن أبي عمير ، عن جميل بن دراج ، عن أبي عبدالله (ع) أنه سُئل عن رجل أفطر يوماً من شهر رمضان متعمداً ؟ فقال : أن رجلاً أتى النبي ﷺ فقال: النار يا رسول الله ! قال : ومالك ؟ قال : وقعت على هلى قال : تصدّق واستغفر ، فقال الرجل : فالذي عظم حَقِّك ما تركت في البيت شيئاً ، لا قليلاً ولا كثيراً قال: فدخل رجل من الناس بمكئيل من تمر فيه عشرون صاعاً يكون عشرة أصوع بصاعنا فقال له رسول الله ﷺ : خذ هذا التمر فتصدّق به ، فقال : يا رسول الله ، على من أتصدّق به وقد أخبرت أنك لیس فی بيتي قليل ولا كثير ، قال : فخذه واطعمه عيالك واستغفر الله قال : فلما خرجنا قال أصحابنا : إنه بدأ بالعتق ، فقال : أعتق ، أو تصدّق » . . . همانطور که می بینید در این روایت گفته شده ؛ عشرون صاعاً که بعد خود آن شخص می گوید این مقدار به صاع ما می شود ۱۰ صاع ، پس معلوم می شود که اوزان در هر منطقه ای فرق می کند ، البته در خبر ۵ از همین باب ۸ گفته شده که باید ۱۵ صاع بدهد .

خوب حالا می رویم سراغ مدّ ، در روایات مستفیضه بلکه متواتره کلمه مدّ ذکر شده است من جمله اخباری که در باب ۱۰ از ابواب الكفارات ص ۵۹۹ از جلد ۱۵ وسائل ۲۰ جلدی و در باب ۱۲ از ابواب الكفارات ص ۵۶۰ ذکر شده اند ، مثلاً خبر ۱ از باب ۱۰ از ابواب الكفارات این خبر است : « محمد بن الحسن باسناده عن يونس بن عبد الرحمن عن عبدالله بن سنان قال : قال أبو عبدالله (ع) : كفارة الدم إذا قتل الرجل مؤمناً متعمداً - إلى أن قال - و إذا قتل خطأ أدى ديتيه إلى أوليائه ثم أعتق رقبة ، فإن لم يجد فصيام شهرين متتابعين ، فإن لم يستطع أطعم ستين مسكيناً مدّاً مدّاً ، و كذلك إذا وهبت له دية